

مجازات ممسک در رویکرد کیفرگزینی قضایی

ابوالفضل عامری شهرابی*

چکیده

کیفرگزینی قانونی و تبعاً کیفرگزینی قضایی متناظر با عمل ارتكابی ممسک در گفتمان کنونی قانون مجازات اسلامی با ابهام و چالش مواجه است. در این بستر، نگاهی دوگانه نسبت به فرایند تعیین مجازات برای ممسک پدیدار گشته که خود، به عدم همسویی رویکرد قضات با ظواهر قانون مجازات اسلامی منجر شده است. برخی از محاکم با تکیه بر دیدگاه شرعی برای ممسک مجازات حبس ابد و برخی دیگر با رویکردی بر اساس قانون موضوعه مجازات مقرر برای معاونت در جرم را مورد عمل و استناد قرار می‌دهند که خود به وضوح گویای شکاف میان ابعاد قانونی و قضایی سیاست جنایی ایران در این خصوص است. این دوگانگی و تضاد در استنادها که یکی به منابع شرعی و دیگری به منابع قانونی است، نتیجه عدم صراحت و تعیین تکلیف صحیح موضوع در مواد قانون مجازات اسلامی از سوی قانون‌گذار است که متعاقباً تعارض در آرا و صدور احکام متهافت و ایجاد حس بی‌عدالتی را سبب گردیده است. این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی سعی در بررسی مبانی مجازات ممسک و مصداق عینی و قانونی آن دارد و به دنبال این است که بستری برای عبور از چالش‌های نظری و عملی تکوین یافته در این خصوص مهیا سازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که گرایش به تطبیق عمل ممسک با نهاد معاونت در جرم، از مبانی نظری استواری برخوردار است و با ظاهراً عمومات قانون در خصوص نهاد معاونت در جرم نیز مقارن و سازگار می‌باشد.

کلیدواژگان:

قتل عمدی، مجازات ممسک، حد شرعی، مجازات قانونی، مشارکت و معاونت در جرم.

مقدمه

در گفتمان سیاست جنایی تقنینی جمهوری اسلامی ایران و متعاقب تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، تحولات عمیق و متنوعی در ابعاد وسیع شکل گرفته و رویکرد مقنن در سطوح عدیده‌ای با دگرگونی نظری روبه‌رو شده است. در چرخه این تحولات، مقنن همواره اصلی ثابت فراروی خود مقرر دانسته و آن هم‌افزایی ظاهری و باطنی با روح و موازین شرع انور است. مقنن در تقنین برخی از گزاره‌های قانونی، نظیر تعیین مجازات برای ممسک، گرایش آشکار به مبانی فقهی دارد و به نظر می‌رسد سعی داشته است فرایند تعیین مجازات برای عمل چنین کسی را به عمومات فقهی و شرعی احاله دهد؛ هرچند برخی از حقوق‌دانان نظر مخالفی را در این خصوص اختیار کرده‌اند. به رغم آنکه در فقه امامیه موقعیت و کیفیت مجازات ممسک کاملاً مشخص است، اما نحوه عملکرد مقنن در مواجهه با این فرایند به نحوی است که از صراحت و دقت لازم برخوردار نیست. در واقع، با وجود بازنگری قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، در خصوص عنوان جزایی ممسک و تعیین مجازات آن در بخش حدود و قصاص، حکم خاصی وجود ندارد و رویه قضایی هم در این مورد کاملاً متزلزل است. تعدادی از قضات در تعیین مجازات ممسک نظر بر اعمال مجازات حبس ابد با استناد به منابع شرعی دارند و گروهی دیگر بر این باورند که در چنین مواردی باید به قواعد عام در تعیین مجازات معاون، مصرحه در فصل سوم از بخش جرایم قانون مجازات اسلامی مراجعه کرد. این دوگانگی و تضاد در استنادها که حاصل عدم صراحت و تعیین تکلیف صحیح موضوع در مواد قانون مجازات اسلامی است، تعارض در آرا و صدور احکام متهافت و نتیجتاً ایجاد حس بی‌عدالتی در بین محکومین را سبب می‌گردد. شاید بتوان دلیل عمده این دوگانگی را همان سکوت و اجمال قوانین جزایی دانست؛ زیرا همواره در زمان اجرای قوانین از سوی قوای مجریه و قضائیه به دلیل نقص، ابهام، اجمال و سکوت در مواد قانونی که حاصل ایراداتی همچون عدم تخصص نمایندگان مجلس در حین قانون‌گذاری است، مشکلاتی برای مجریان قانون ایجاد می‌گردد. قانون‌گذاران در سیستم‌های مختلف حقوقی راهکارهای متفاوتی را برای حل این مشکل ارائه کرده‌اند. از جمله این راه‌حل‌ها اجازه در

تفسیر قوانین عادی و مراجعه به سایر منابع حقوقی به مقامات قضایی است. قانون اساسی کشور ما نیز در اصل ۱۶۷ خود در این رابطه و در مقام ارائه یک راه‌حل حقوقی بیان می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». بنابراین، قضات محاکم مکلف‌اند با درایت و تدبیر در چنین مواردی نسبت به تعدیل و انعطاف قوانین با توجه به شرایط متهم و وضعیت حاکم بر جامعه و با تفسیری شایسته، عادلانه و قانونی مبادرت به صدور رأی نمایند و به رسالت غایی خویش که همان احقاق حق و اجرای عدالت است، دست یابند. اما در مقوله تفسیر قوانین، تفسیر مقررات جزایی در مقایسه با امور حقوقی با توجه به اعمال مجازات‌ها و ارتباط بیشتر امور کیفری با نظم عمومی، از اهمیت شایانی برخوردار است. به‌ویژه در جرایم علیه اشخاص و بزه قتل عمدی و به‌لحاظ حساسیت آن که نسبت به مهم‌ترین دارایی انسان که همان حیات و زندگی است، صورت می‌گیرد. هرچند آمارها نشان می‌دهد در اکثر جرایم، عملیات مادی بزه را یک شخص مرتکب می‌شود، اما گاهی رفتارهای مجرمانه از ابتدا تا انتها اعم از مرحله تفکر یا در مراحل اجرایی یا پایانی و حتی اخفای آثار جرم با مشارکت چند شخص انجام می‌شود. لذا واکنش‌های کیفری مربوط به مجازات‌های مباشرین، شرکا و معاونین هر جرم به‌خصوص در قتل عمدی به‌لحاظ شدت مجازات‌های افرادی که به‌نحوی در وقوع این بزه نقش دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و رعایت تناسب در تعیین مجازات‌ها بین مشارکین و معاونین آن نیز امری منطقی، عقلی و ضروری به‌نظر می‌رسد. بدیهی است در مواردی که قتل‌های عمدی با دخالت یک فرد صورت می‌پذیرد، معمولاً مشکل خاصی در شناسایی قاتل، عناصر مجرمانه، اثر عملیات مجرمانه ارتكابی از سوی متهم، نوع جرم و تعیین میزان مجازات وجود ندارد. اما هرگاه مجموع اعمال ارتكابی از سوی دو یا چند نفر منتج به وقوع قتل گردد، عدالت اقتضا می‌کند با انجام تحقیقات، استنتاج، استدلالات قانونی و منطقی هریک از متهمین فقط در حدود عمل ارتكابی و متناسب با اقدامات مجرمانه خود مجازات شوند و کیفر

هریک از متهمین در مقایسه با سایر متهمین، عادلانه وضع، تعیین و اجرا گردد. لذا مقاله حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است، سعی در پاسخ‌دهی به این پرسش دارد که در وضعیت کنونی نظام سیاست جنایی ایران، مجازات مقرر برای عمل کسی که ممسک خطاب می‌گردد، چیست؟

۱. تبیین مفهوم ممسک؛ اتحاد یا تغایر آن با نهادهای معاونت و مشارکت

در جرم

هرچند در باب ممسک قانون‌گذار، تعریفی از این عمل مجرمانه در هیچ‌یک از قوانین بیان نموده است، حقوق دانان تعاریف متعدد حقوقی از آن ارائه کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به «نگهداشتن مقتول برای قادر ساختن دیگری به کشتن وی» اذعان کرد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۴۴۳). در فقه امامیه نیز به‌عنوان منبع اصلی قوانین موضوعه کشورمان، فقها تعریف جداگانه و منجزی از ممسک بیان نموده و غالباً به بیان تمثیل اکتفا کرده‌اند. به عنوان مثال، امام خمینی (ره) در کتاب *تحریر الوسيله* وقتی مسئله ممسک را بیان می‌نمایند، تعریفی از آن ارائه نموده، می‌فرمایند: «اگر شخصی او را نگه دارد و دیگری وی را بکشد و شخص سومی دیده‌بان باشد قود^۱ بر قاتل است نه نگهدارنده، لیکن نگهدارنده به زندان ابد می‌افتد تا در حبس بمیرد و میله داغ و مانند آن به چشمان دیده‌بان کشیده می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۶۵: مسئله ۳۳). به هر حال، مصداق عمل ممسک صرف نگهداشتن است که البته نگهداشتن شخص مقتول، مفهومی اعم است و مواردی همانند گرفتن با دست، پیچیدن با طناب، محبوس کردن و... را شامل می‌شود و تعریف آن به گونه‌ای موسع است که حبس کردن شخص در یک اتاق به‌نحوی که دیگری آن فرد را به قتل برساند، نیز می‌تواند از مصداق ممسک برشمرده شود (محدث نوری، ۱۳۲۰: ۲۲۷). هرچند غالباً در رویه قضایی تمایل محاکم بر این است که این عنوان جزایی را با معاونت تطابقت نماید. به‌طور مثال، در پرونده متهمی که بر روی سینه مقتول نشسته بود و وی را بدین طریق نگه داشته بود تا

قاتل با ضرباتی که بر مقتول وارد می‌کند، موجب مرگ وی شود، تحت عنوان معاون در قتل عمدی مورد محاکمه قرار داده‌اند^۱ (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۴۸). پرواضح است بین ماهیت اقدامات مجرمانه مباشر در قتل عمدی و معاون این جرم تفاوت اساسی وجود دارد. اما در خصوص ممسک در فقه اسلامی، مجازات خاص (حدی) از نوع حبس ابد وجود دارد که به نوعی تداخل در اعمال مجازات‌های قانونی و شرعی را سبب می‌شود. البته جمع بین دو عنوان جزایی ممسک و معاون یا حتی جمع بین دو نوع از مصادیق معاونت در یک نفر همانند کسی که هم برای قاتل سم کشنده تهیه می‌کند و هم وی را ترغیب و تشویق می‌کند تا مرتکب قتل عمدی شود، قابل تصور است. همچنین شخصی که علاوه بر امساک در قتل عمدی، برای مباشر اسلحه نیز تهیه می‌کند و در اختیار وی قرار می‌دهد، تحت دو عنوان جزایی ممسک و معاونت در قتل عمدی قابل تعقیب کیفری است. لیکن اگر مجازات ممسک را حد شرعی خاص بدانیم، با فرض نوع دیگری از معاونت همانند آنچه که در مثال اخیر بیان شد، جمع بین این دو مجازات و اجرای آن نیز در راستای اجرای ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی به لحاظ اینکه یکی حدی و دیگری تعزیری تلقی می‌شد، مشکل و تفسیری به ضرر متهم تلقی می‌شود؛ زیرا هر دو مجازات حد ممسک و تعزیر از بابت معاونت باید درباره وی اعمال گردد. لیکن اگر قائل بر این نظر باشیم که مجازات ممسک نیز نوعی معاونت عام است، فقط یک مجازات معاونت (تشدید شده) نسبت به وی اعمال می‌شود که در هر حال از حبس ابد (مجازات ممسک) کمتر است. اما درباره این مسئله که آیا شخصی که صرفاً در قتل عمدی با ننگ داشتن مقتول، قاتل را یاری نموده است، می‌توان به عنوان مشارکت‌کننده در قتل عمدی تحت تعقیب و محاکمه قرار داد یا خیر؟ موضوعی است که در ادامه به تفصیل به تشریح موضوع پرداخته خواهد شد.

۱.۱. وجه افتراق عنوان جزایی ممسک و مشارکت در قتل عمدی

قانون‌گذار در ماده ۱۲۵ قانون مجازات اسلامی در تعریف مشارکت در ارتکاب

جرم بیان می‌دارد: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد، خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد، خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است...». به عبارتی دیگر، عنصر مادی شرکت در جرم قتل عمدی زمانی محقق می‌شود که عملیات مادی مجرمانه که ضابطه جرم بودن است، از ناحیهٔ بیش از یک نفر صورت گیرد و بتوان آن عمل مادی را به همه افراد نسبت داد. به هر روی، با مذاقه در این تعریف قانونی به‌وضوح می‌توان دریافت که چون ممسک صرفاً مقتول را نگه می‌دارد و به‌نحوی وقوع جرم را برای مباشر (قاتل) تسهیل می‌نماید، لذا عمل وی با مشارکت در قتل عمدی سازگار نیست؛ زیرا وی در عملیات اجرایی بزه مشارکت مستقیم ندارد. شایان ذکر است، اقدام ممسک در قتل عمدی را نیز نمی‌توان مشمول تبصره مادهٔ موصوف تطابق داد که بیان می‌دارد: «اعمال مجازات حدود، قصاص و دیات در مورد شرکت در جنایت با رعایت مواد کتاب‌های دوم، سوم و چهارم این قانون انجام می‌گیرد». به‌لحاظ اینکه عمل ارتكابی ممسک هرچند باید با فعل مثبت مادی انجام پذیرد، از عنوان مشارکت منصرف است و بر طبق اصول حقوق جزا بیشتر با عنوان معاونت بر فرض حصول نتیجه مجرمانه (به قتل رسیدن مقتول) هم‌خوانی و تطابق می‌نماید. چنان‌که در تکمیل این استدلال می‌توان به صدر ماده ۳۶۸ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره کرد که اذعان می‌دارد: «اگر عده‌ای، آسیب‌هایی را بر مجنی علیه وارد کنند و تنها برخی از آسیب‌ها موجب قتل او شود، فقط واردکنندگان این آسیب‌ها، شریک در قتل می‌باشند و...». زیرا فقط عمل و اقدام قاتل منتج به حصول نتیجهٔ مجرمانه (قتل نفس) گردیده است. پس در نتیجه باید گفت عمل ممسک در نگهداشتن مقتول نمی‌تواند دلالت بر عنوان مشارکت در قتل عمدی نماید.

۱.۲. بازنمایی احتمال تطابق عنوان جزایی ممسک با معاونت در قتل

عمدی

همان‌گونه که بیان شد، گاهی در ارتکاب برخی جرایم این فرض متصور است که شخصی بدون اینکه در عملیات اجرایی جرمی شرکت داشته باشد، از طریق

مختلفی، مباشر یا مباشرین جرم را از طریق معاونت در ارتکاب عمل مجرمانه مساعدت نماید. اما به دلیل آنکه چنین امدادی می‌تواند دارای مصادیق متفاوت و متعددی باشد، لذا قانون‌گذار کشورمان به احصای موارد و مصادیق معاونت اکتفا نموده‌اند (نوربها، ۱۳۹۲: ۲۲۷). اما با وجود پیشینه فقهی عنوان جزایی امساک، قانون‌گذار حکم شقوق مختلف معاونت شرعی (ممسک) و حتی ناظر در قتل عمدی را به‌طور جامع و مانع مشخص ننموده است. در تعریف معاونت می‌توان گفت: معاون جرم به کسی اطلاق می‌شود که شخصاً در روند ارتکاب عنصر مادی بزه که مستند به عمل مباشر یا شرکای جرم است، دخالتی ندارد و از طریق تحریک، ترغیب، تطمیع، تهدید، دسیسه و فریب، ایجاد تسهیلات در وقوع جرم، تهیه وسایل ارتکاب جرم و ارائه طریق در ارتکاب جرم دخالت و همکاری می‌نماید (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۱۵۲). به عبارتی، معاون در جرم به شخصی گفته می‌شود که در ارتکاب جرم با شرکا یا مباشر بزه همکاری می‌کند؛ بدون آنکه قسمتی از عنصر مادی بزه مستند به عمل او باشد (سپهوند، ۱۳۸۸: ۱۰۴). لذا با عنایت به مفهوم عاریه‌ای عمل معاون نسبت به مباشر، جرم معاونت در قتل عمدی را می‌توان این چنین تعریف کرد: «توافق آگاهانه دو یا چند نفر برای کشتن دیگری در چارچوب عملیات مصرح در قانون به‌طور غیرمستقیم و بدون شرکت در انجام رکن مادی قتل» (رضایی، ۱۳۸۱: ۲۴). این تعریف همخوانی بیشتری با عمل ممسک در قتل عمد در مقایسه با تعریف مشارکت‌کننده در آن را دارد. به هر حال، صرف‌نظر از اینکه در قوانین جزایی کشورمان تعریفی از معاونت نشده، در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی، مصادیق آن بدین سان احصا شده است: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف) هرکس دیگری را به ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه و فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.
 ب) هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

ج) هرکس وقوع جرم را تسهیل کند».

ملاحظه می‌شود در بند «ج» ماده مزبور از تسهیل وقوع جرم نام برده شده

است که یک عنوان کلی و عام است و می‌تواند بر مصادیق گوناگونی دلالت نماید و از جمله آن ممسک و نگهدارنده در قتل عمد است که با اقدام خود عملیات ارتکاب بزه را برای قاتل با ننگ داشتن مقتول تسهیل می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم، در خصوص تعیین مجازات معاونت در بزه قتل عمدی (که از زمره جرایم درجه یک است) باید مطابق با بند «الف» ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی تعیین مجازات صورت گیرد که مجازات در نظر گرفته شده از سوی قانون‌گذار حبس تعزیری درجه دو (از ۱۵ سال تا ۲۵ سال) یا حبس درجه سه (از ده سال تا پانزده سال) است. البته در تفسیر و تحلیل چگونگی تعیین مجازات ممسک راه‌حل‌های متفاوتی ارائه شده است:

تحلیل اول آن است که معاونت در قتل عمدی را به‌طور کلی مشمول ماده ۱۲۷ قانون تعزیرات بدانیم، مگر در مصادیق خاصی که در منابع شرعی مورد استناد قرار گرفته است، همانند ممسک که در این صورت باید مطابق نصوص شرعی اقدام شود. پس برای تعیین مجازات ممسک که نوع خاصی از معاونت است، باید مجازات حبس ابد تعیین کرد یا اینکه مجازات کور نمودن برای ناظر با میله داغ در قتل عمدی را تعیین کرد. این تحلیل ساده‌ترین راه‌حل است و می‌توان نکته قوت آن را استناد ظاهری به قانون و شرع دانست و اینکه در این ماده، مقنن مجازات شرعی را مقدم بر مجازات قانونی با ذکر واژه «شرع» بیان نموده است. ولی این استدلال با عدالت در تعیین مجازات همخوانی ندارد و بی‌شک سبب بروز مشکلاتی می‌شود که می‌توان به تفاوت فاحش مجازات قانونی بین معاون در قتل عمدی که گاهاً اقدامات وی شدیدتر از ممسک است، با مجازات شرعی ممسک در قتل عمد که حبس ابد است، اشاره نمود و از سویی دیگر حبس تعزیری معاون در قتل عمدی قائل تخفیف و عفو است، اما حبسی که برای ممسک تعیین می‌شود، از نوع حدی و غیرقابل تغییر است.

تحلیل دوم که نگاهی موشکافانه‌تر و دقیق‌تر نسبت به مواد قانونی راجع به تعیین مجازات معاون دارد، دال بر این است که قانون‌گذار با تخصیص ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی قصد محدود نمودن اختیارات دادگاه را در رابطه با تعیین مجازات معاون داشته است. چنان‌که در تبصره یک ماده مزبور از عبارت «مجازات

قانونی» که دلالت بر تقدم استناد قانون بر شرع دارد، استفاده کرده است. بنابراین با وجود مجازات‌های قانونی، دادگاه مجاز به استناد به مجازات‌های شرعی برای برخی از عناوین معاونت در قتل عمدی که گاهاً نقش آنها در مساعدت به قاتل کمرنگ‌تر از موارد قانونی است، نخواهد بود (آقایی نیا، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بنابر آنچه که گفته شد و بر اساس قواعد عمومی در حقوق جزاء، عمل ممسک را باید از مصادیق معاونت تلقی نمود، نه مشارکت. چنان‌که شعبهٔ دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای خود بر این سیاق بوده و متهمی که گلوی مقتول را گرفته و بدین طریق وی را نگه داشته است تا قاتل با شلیک تیر به صورت وی، او را بکشد، عمل متهم اول را معاونت و متهم دیگر را مباشرت در قتل تلقی نموده است^۱ (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۴۸). در این رابطه می‌توان به دادنامهٔ شماره ۴۹۶ مورخه ۷۸/۳/۲۹ شعبه ویژه دادگاه عمومی بندرعباس اشاره نمود که در آن متهمی را که از پشت، گردن مقتول را گرفته تا قاتل وی را بکشد، معاون در قتل تلقی نموده و وی را به ۱۵ سال حبس و پنج سال اقامت اجباری در شهرستان بوشهر محکوم کرده است. هرچند شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۳۰۷ مورخه ۷۸/۴/۲۳، با این استدلال که عمل متهم از مصادیق ممسک و مستوجب مجازات حدی است، به استناد مسئلهٔ ۳۳ از کتاب *تحریرالوسيله* امام خمینی (ره)، دادنامهٔ موصوف را نقض کرده، اما پس از ارجاع پرونده به شعبه چهاردهم شهرستان بندرعباس آن شعبه نیز طی دادنامه شماره ۱۲۳۶ مورخه ۷۸/۷/۲۵ عمل مرتکب را مجدداً از مصادیق معاونت و منصرف از حدود (حد ممسک) تلقی نموده و متهم را به تحمل ۱۵ سال حبس و ۵ سال تبعید در شهرستان بوشهر محکوم نموده است. در ادامه، پرونده با اعتراض اصحاب دعوا به شعبهٔ ۳۱ دیوان عالی کشور ارسال گردیده و این شعبه نیز طی دادنامهٔ شماره ۸۹-۱ مورخه ۷۹/۲/۱ مجدداً دادنامهٔ معترض‌به را نقض نموده و پرونده این بار به شعبهٔ ۱۳ دادگاه عمومی بندرعباس ارجاع شده است که آن شعبه نیز با این استدلال که با توجه به شیوهٔ بیان قانون باید بدو در تعیین مجازات به قانون و بعد از آن به شرع انور و منابع فقهی، مراجعه کرد و اصل قانونی بودن

جرایم و مجازات‌ها و تفسیر به نفع متهم نیز بر این امر دلالت دارد، مجدداً متهم را از بابت ارتکاب معاونت در قتل عمدی و اینکه انطباق عمل با اصطلاح فقهی ممسک خارج از قوانین است، متهم را به تحمل ۱۵ سال حبس تعزیری و ۵ سال تبعید به شهرستان آستارا محکوم می‌نماید که نهایتاً قضات دیوان عالی کشور تسلیم استدلال و پافشاری قضات محاکم بدوی شده و رأی اخیر در دیوان عالی کشور تأیید و با وصف قطعیت یافتن، اجرا می‌شود (آقایی نیا، ۱۳۸۹: ۱۰۸ و ۱۰۹). ملاحظه می‌شود در این پرونده و در راستای اجرای ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی، اعمال مجازات برای معاون جرم را در تمامی جرایم اعم از حدود، قصاص و تعزیرات مشخص نموده است و به دلیل اینکه عمل ممسک عالماً و عامداً به نحوی وقوع جرم را برای قاتل تسهیل می‌نماید، از مصادیق معاونت در قتل تلقی شده است. به‌هرحال، با توجه به اینکه اعمال مجازات حدی برای ممسک به‌لحاظ وجود محدودیت‌هایی مختلف برای این نوع مجازات شرعی همچون عدم تغییر و تبدیل یا تعدیل آن و اینکه حتی تعدادی از فقهای متأخر، از جمله آیت الله حاج احمد خوانساری و آیت الله یوسف صانعی، نظر بر عدم اجرای حدود در زمان غیبت دارند (القاسمی، ۱۳۸۸: ۵۳)، لذا در این برهه زمانی بهترین راهکار تمسک به مجازات مصرحه قانونی تحت عنوان معاونت در قتل عمدی برای ممسک به‌جای مجازات خاص شرعی آن که غیرقابل انعطاف و تغییر است، می‌باشد.

۲. مجازات ممسک در گفتمان کیفرگزینی تقنینی

مبنای مجازات شرعی ممسک در نظر فقها منتسب به روایتی از حضرت علی(ع) است که در آن آمده است: سه نفر را به علت قتل مسلمانی نزد ایشان آوردند که یکی از آنان مقتول را نگه داشته بود و نفر دوم وی را به قتل رسانده بود، درحالی که نفر سوم دیده‌بانی می‌داد. امام فرمودند چشمان کسی که ناظر بوده است، درآورده شود و ممسک حبس ابد می‌شود و قاتل نیز قصاص می‌گردد (حرعاملی، ۱۴۲۷: ۳۶). هرچند بنابر آنچه که بیان شد، به‌نظر می‌رسد عمل مجرمانه ممسک در قوانین جزایی فعلی ما با عنوان جزایی معاونت تطابق می‌نماید و این نظر مفید فایده است؛ زیرا با تلقی نمودن عمل ممسک به‌عنوان معاونت در

قتل عمدی و در راستای بند «الف» ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی که اذعان داشته است، در جرایمی که مجازات آنها سلب حیات است، مجازات معاون حبس تعزیری درجه دو و سه است، می‌توان نقص قانونی موجود را برطرف نمود و زمینه تعدیل مجازات ممسک و مباشر در قتل عمدی و نهایتاً حصول عدالت را فراهم آورد. زیرا گاهاً در پرونده‌های قتل عمد، اولیای دم به مباشر قتل عمدی رضایت اعطا می‌نمایند و در چنین فرضی در رابطه با قاتل، تبدیل مجازات قصاص به حبس در قانون تعزیرات پیش‌بینی شده است و مشکلی وجود ندارد. اما مجازات ممسک که به نوعی حدی غیرقابل تغییر باقی می‌ماند، در این رابطه چند استدلال وجود دارد:

اول آنکه تعدیل مجازات ممسک به دلیل اینکه از نوع حدود الهی و همانند زنا و لواط غیرقابل گذشت و اسقاط است و قانون نیز برای فرض رضایت اولیای دم همانند مجازات خود ممسک نصی ندارد. لذا طبق اصل کلی در حدود این نوع از مجازات‌ها قابل تخفیف و تغییر نیستند و مجازات حبس ابد کماکان باید اجرا شود که این نظر به امام خمینی (ره) منتسب است (مقتدایی، ۱، ۱۳۸۸). ولی اجباراً در این نظر امکان فزونی یافتن مجازات ممسک از قاتل با اعلام گذشت شاکی به شرحی که گذشت، متصور است.^۱ همچنین در فرضی که علاوه بر ممسک، معاون دیگری (که به‌طور مثال با تهیه آلت در قتل عمدی معاونت نموده است) در قتل شرکت داشته و با مجازات قانونی حبس درجه دو یا سه که مختص معاونت در قتل است، مورد مجازات قرار می‌گیرد، ملاحظه می‌شود مجازات وی کمتر از مجازات ممسک خواهد شد. مضافاً مجازات وی برخلاف ممسک قابل تخفیف و تعدیل است. به‌عبارتی، تفاوت بین مجازات چنین معاونی که مجازاتش حبس حداقل ۱۰ سال تا حداکثر ۲۵ و قابل تعدیل است و مجازات ممسک که مجازاتش حبس ابد و غیرقابل تغییر می‌باشد، مشهود است و این خود دلالت بر عدم وجود تناسب و عدالت در تعیین مجازات‌ها برای معاون و ممسک و گاهاً مباشرت در قتل عمدی دارد و این توالی فاسد در تعیین مجازات را در پی دارد که منطقاً و عقلاً مردود است (سپهوند، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱ مورخه ۱۳۸۱/۱/۱۵ اداره حقوقی قوه قضائیه: «مجازات ممسک حد است و حد

مشمول مقررات آزادی مشروط یا مقررات دیگر خاص مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده است، نمی‌گردد».

در استدلال دوم و به این استناد که مجازات ممسک از نوع حدود و آن هم با جنبه حق الناسی کامل است، می‌توان با وصول رضایت همانند قذف نسبت به صدور قرار موقوفی تعقیب اقدام نمود^۱ که این امر به‌نظر از مقصود و مراد قانون‌گذار دور است و با حفظ و صیانت از نظم عمومی و حقوق جامعه در تعارض است؛ زیرا چه‌بسا اولیای دم در همان مراحل اولیه به ممسک رضایت اعطا نمایند و صدور قرار موقوفی تعقیب و آزادی متهم بدون در نظر گرفتن جنبه عمومی برای چنین بزه‌ی به مصلحت نیست، هرچند برخی فقها بر آن صحه گذارده‌اند (فاضل لنگرانی، ۲، ۱۳۸۲/۹/۱۵۰۹). اما گویا از میان حدود، فقط حد قذف است که با گذشت شاکی اسقاط می‌شود.

در استدلال سوم، تبدیل مجازات حدی ممسک از حبس ابد به مجازات تعزیری و تطابق عمل وی با ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مدنظر است. در حقیقت این راه‌حل نیز برگشت به همان نظریه تلقی نمودن مجازات ممسک به‌عنوان معاونت است، ولی ایراد وارد بر این نظر آن است که اعلام رضایت اولیای دم به ممسک نمی‌تواند مجازات حدی وی را به مجازات تعزیری تبدیل نماید و با حدوث شک در بقای وجود و اعمال مجازات حدی ممسک بنا بر اصل استصحاب باید اعمال مجازات حد حبس ابد را جاری ساخت.

در این راستا، قضات دادگستری مشهد نیز در نشست قضایی خود عمل ممسک را قابل تطبیق با معاونت در قتل عمدی دانسته‌اند، اذعان داشته‌اند:

«اصل ۷۶ قانون اساسی مقرر داشته است که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. همچنین ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان اصل قانونی بودن جرم و مجازات، هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب کرده است. بنابراین قانون در این مورد ساکت نیست تا بنا به فتاوی معتبر رجوع شود و چنانچه اقدام ممسک قابل انطباق با مقررات معاونت در جرم باشد، تحت همین عنوان قابل مجازات خواهد بود، در غیر این صورت مجازاتی نخواهد داشت؛ زیرا در مقررات جزایی، عنوان ممسک وجود ندارد» (کارخیزان، ۱، ۱۳۹۲/۱۱/۲۱).

۱. حد قذف حق الناس است و تعقیب و اجرای مجازات منوط به مطالبه مقذوف است. در صورت گذشت مقذوف در هر مرحله، حسب مورد تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌شود.

۳. نقد رأی

در این راستا و به تبعیت از تعیین مجازات شرعی برای ممسک دادگاه محترم کیفری یک استان مرکزی طی دادنامه شماره ۷۸۰۰۲۶۴ مورخه ۹۷/۸/۲ آقای ر. د به اتهام معاونت در قتل عمدی (از نوع ممسک) مرحوم خانم س. د بدین توضیح که متهم موصوف به همراه مباشر جرم آقای ع. ع به قصد سرقت طلاهای شاکی وارد منزل وی شده و به دلیل مقاومتی که مقتول در هنگام خروج طلاهای وی از دستانش می‌نماید، متهم صدرالذکر مبادرت به گرفتن دهان مقتول می‌نماید تا متهم دیگر طلاهای وی را به عنف از دستان وی خارج نماید که به دلیل مقاومت مقتول، نهایتاً مباشر جرم درحالی که معاون در مقام ممسک وی را نگه داشته بود، به سر وی با اسلحه کلت کمری شلیک می‌نماید و بدین‌سان وی به قتل می‌رسد که در ادامه با مظنون شدن به متهمین و سپس کشف اموال مسروقه و آلت قتاله از محل سکونت متهمین با دستگیری آنان و اقرار متهمین روند تحقیقات تکمیل می‌شود و نهایتاً قضات محترم محکمه کیفری یک استان مرکزی در باب محکومیت معاون با تغییر عنوان اتهامی از معاونت به ممسک بشرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نمایند:

۳.۱. مرور متن رأی دادگاه

... و درخصوص اتهام معاونت در قتل عمدی از نوع امساک یا گرفتن مقتول، از طریق قفل کردن یا مهار کردن دستان او (موضوع اقرار صریح متهم و با احراز وحدت قصد ضمنی ایشان) مستنداً به اصل شرعی بودن کلیه قوانین و مقررات در نظام جمهوری اسلامی ایران (طبق مبانی مندرج در اصول ۱۶۷، ۹۱، ۴، ۲ قانون اساسی) و قید مصرح در صدر ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه: «در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده باشد، مجازات وی به شرح زیر است...» و توجهاً به دکترین حقوقی و نظرات حقوق دانان برجسته کشور مبنی بر اینکه «تصریح قانون‌گذار در صدر ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی تردیدی در اجرای مجازات‌های شرعی درخصوص موارد منصوص باقی نمی‌گذارد. کما اینکه بعضی از مراجع قضایی با استناد به منطوق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشته‌اند: «تعیین مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده موضوع ماده ۲۰۷ برای ممسک، تحت عنوان معاون در قتل، با تبصره ۲ ماده ۴۳ قانون مرقوم و قول مشهور و اجماع فقها که مجازات ممسک را حبس ابد دانسته‌اند، مغایرت دارد...» (آقای نیا، ۱۳۹۴: ۱۷۵). «یکی از موارد خاص معاونت در قتل، که فقها

به آن اشاره کرده‌اند، امساک یا نگهداشتن کسی برای قادر ساختن دیگری به کشتن او می‌باشد... چون فقهای امامیه مجازات فرد ممسک را حبس ابد دانسته‌اند، بعید نیست که همین مجازات در مورد ممسک قابل اعمال باشد، زیرا ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی اعمال مجازات‌های مذکور در ماده را منوط به آن کرده است که در شرع یا قانون برای معاون تعیین نشده باشد» (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۴۴۳). «مطابق رویه قضایی و نظر مشهور فقها و حقوق‌دانان ممسک و دیده‌بان [در قتل عمدی] مشمول حکم ماده ۲۰۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نبوده و با استفاده از تجویز تبصره ماده ۴۳ قانون مذکور چون برای ممسک و دیده‌بان کیفر خاص در شرع معین شده، حکم عام ماده ۲۰۷ تخصیص خورده است» (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۴۷؛ ولیدی، ۹۹؛ شامبیاتی، ۱۲۹؛ بازگیر، ۱۶۱ تا ۱۶۵، آراء شماره ۲۰۰۸ مورخ ۷۳/۳/۱ و ۹۵۱ مورخ ۷۲/۲/۹ و ۵۵۵ مورخ ۶۹/۱۱/۲ شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور) و مستنداً به فتاوی فقهای عظام، من جمله حضرت امام خمینی (ره): «اگر شخصی او را نگه دارد و دیگری او را بکشد و شخص سومی دیده‌بان آنها باشد، قود (قصاص) بر قاتل است، نه نگهدارنده او، لیکن نگهدارنده به زندان ابد می‌افتد تا در حبس بمیرد و میله داغ و مانند به چشمان دیده‌بان کشیده می‌شود». (موسوی خمینی، ۱۳۷۳: ۲۷۹) و حضرت آیت الله سیدابوالقاسم خوبی (ره): «اگر شخص را گرفته و نگهدارنده تا شخص دیگری او را به قتل برساند، قاتل قصاص می‌شود و نگهدارنده (ممسک) حبس ابد می‌شود تا در حبس بمیرد و در هر سال پنجاه ضربه تازیانه به او زده می‌شود» (ترجمه مبانی تکمله المنهاج: ۱۹۳، مساله ۱۶)، با ذکر این نکته که طبق نظر مشهور فقها من جمله حضرت امام خمینی (ره)، آیت الله مکارم شیرازی، آیت الله محمدتقی بهجت، آیت الله صافی گلپایگانی، آیت الله محمدفاضل لنکرانی، آیت الله حسین نوری همدانی: «حبس ممسک در قتل، مانند قصاص حق الناس است، به همین دلیل قابل گذشت می‌باشد و با رضایت اولیای دم ساقط می‌شود» (ر.ک: ره‌توشه قضایی، موسسه آموزشی و پژوهشی قضا، ص ۷۸؛ ماوی - نشریه داخلی قوه قضائیه، شماره‌های ۱۵۲ و ۱۵۳: کریمی، ۱۵۸). بدیهی است، در صورت گذشت اولیای دم نسبت به هریک از متهمان، حسب مورد مجازات قصاص برای قاتل و یا مجازات حبس ابد برای ممسک، ساقط می‌شود و مستنداً به ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات (مصوب ۷۵) مجازات تعزیری متناسب مورد حکم قرار خواهد گرفت؛ علی‌هذا با عنایت به موازین قانونی و فقهی مذکور، دادگاه هر یک از متهمان را به شرح ذیل محکوم می‌نماید: متهم ردیف اول را بابت قتل عمدی به ... و متهم ردیف دوم را از بابت اتهام معاونت در قتل عمدی مذکور (از نوع ممسک)، به حبس ابد محکوم می‌گردد (که مانند قصاص قابل گذشت است و در صورت اعلام رضایت اولیای دم، دادگاه متعاقباً با لحاظ نمودن حبس تعزیری در تبصره ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات، اتخاذ تصمیم می‌نماید در ادامه، معاون دادستان اراک به‌عنوان نماینده دادستان استان مرکزی در اعتراض به

آرای محاکم کیفری پس از ابلاغ رأی موصوف به همراه وکلای متهمین از رأی مزبور فرجام‌خواهی می‌نمایند که نهایتاً شعبه محترم ۲۷ دیوان عالی کشور طی دادنامه شماره ۹۷-۰۰۴۴۱ مورخه ۹۷/۱۲/۲۷ به شرح زیر اعتراض فرجام‌خواهی آنان را رد نموده است:

۳.۲. رأی دیوان‌عالی کشور

اعتراض فرجام‌خواهی دادستان محترم عمومی و انقلاب شهرستان اراک و وکلای متهمان به‌نام‌های ۱- ... ۲- ... نسبت به دادنامه شماره ۸۰۰۰۲۶۴ مورخ ۹۷/۸/۲ صادر شده از سوی شعبه اول دادگاه کیفری یک استان مرکزی با توجه به محتویات پرونده و نظریه دادیار محترم دادرای دیوان عالی کشور به شرح پیوست اعتراض فرجام‌خواهانها با شقوق ذیل بند ب ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری قابل انطباق نمی‌باشد و وارد نیست. فلذا ضمن ابرام دادنامه فرجام‌خواسته، پرونده در راستای بند «الف» ماده ۴۶۹ از قانون فوق‌الاشعار به دادگاه محترم صادرکننده رأی عودت می‌یابد.

صرف‌نظر از تأیید بدون استدلال رأی محکمه محترم کیفری یک و رد اعتراض فرجام‌خواهان از سوی شعبه محترم دیوان‌عالی کشور و اکتفا به تهیه گزارش ساده از پرونده و همچنین استناد به منابع، کتب حقوقی و نظریات حقوق دانان از سوی قضات محترم دادگاه کیفری یک استان مرکزی که همچون قضات نظام حقوقی کامن‌لا به‌صورت مستقیم با ذکر منبع و برخلاف رویه قضایی محاکم و قانون موضوعه کشورمان انشای رأی نموده‌اند [که پرداختن بدان موضوع نقد این مقاله نیست]. باید خاطر نشان کرد، درخصوص تعیین مجازات ممسک اولاً قضات محترم دادگاه محترم کیفری یک استان مرکزی با تلقی نمودن مجازات ممسک به‌عنوان جرمی حدی به‌شرح فوق‌الذکر و با تمسک به فتاوی فقهای عظام، حکم قضیه را با تعیین مجازات حبس ابد صادر نموده‌اند، لیکن در پایان دادنامه بدین موضوع اشاره کرده‌اند که این حد قابل گذشت است، صرف‌نظر از اینکه از میان حدود فقط حد قذف قابل گذشت است، با فرض اعلام رضایت باید بنا بر استدلال محکمه محترم کیفری یک استان مرکزی از سوی دادیار اجرای احکام قرار موقوفی تعقیب صادر شود. لیکن دادگاه محترم ناگهان و در انتهای دادنامه صادر شده اعلام رضایت به ممسک را از موجبات تخفیف مجازات با توسل به ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات

دانسته‌اند؛ یعنی با اعلام گذشت دادگاه محترم از استدلال خود مبنی بر اینکه مجازات ممسک حدی خاص است، عدول کرده و مجازات ممسک را از حد حبس ابد به مجازات عمومی معاونت در قانون مجازات اسلامی تغییر داده که این نظر فاقد توجیه قانونی و محدودش است. به نظر می‌رسد بهتر بود محکمه محترم کیفری از همان ابتدا به عنوان معاونت مصرحه در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی رجوع می‌نمودند تا در وضعیتی قرار نگیرد که به دلیل اینکه چون مجازات قاتل به‌عنوان مرتکب و مباشر اصلی به حداکثر ۱۰ سال حبس تعدیل می‌گردد، مجبور شوند مجازات ممسک را که از نوع حدی است و اصولاً قابل تغییر نیست، ناچاراً با مجازات معاونت تطبیق و تعدیل نماید. در واقع، دادگاه کیفری یک قصد داشته است در فرض اعلام رضایت آتی اولیای دم از عدم تناسب مجازات قاتل و ممسک با تعیین و تلقی نمودن مجازات معاون برای ممسک بکاهد که این مراجعه به مجازات معاون برای ممسک با شرط حصول رضایت، مستند به هیچ ماده قانونی نیست و به لحاظ این است که قضات محترم محاکم کیفری از ابتدای امر از چارچوب قانون موضوعه خارج شدند. حال با حدوث مسئله جدید به دلیل عدم تطابق کامل مسئله با منابع فقهی و شرعی مجبور شده‌اند، موضوع را در قالب همان معاونت پیگیری کنند. به هر روی، از نظر قانونی نمی‌توان با صرف اعلام رضایت از رجوع به منابع فقهی و حدی بودن مجازات ممسک عدول و به عنوان معاونت در قتل عمدی استناد کرد. لذا اگر محکمه محترم کیفری از همان ابتدا به قانون موضوعه رجوع می‌نمود و عمل ممسک را به‌عنوان معاون در قتل تلقی و مورد مجازات قرار می‌داد، با حدوث حوادث بعدی همچون رضایت اولیای دم یا درخواست محکوم‌علیه در استفاده از نهادهای حقوقی همچون آزادی مشروط، گذشت شاکی خصوصی، مرور زمان، عفو^۱ و مرخصی^۲ و درخواست ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و

۱. ماده ۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری: «عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر اعطاء می‌شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می‌کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می‌شود».

۲. تبصره ۵ ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «رئیس قوه قضائیه می‌تواند به مناسبت‌های ملی و مذهبی علاوه بر سقف تعیین در این قانون، حداکثر دو بار در سال به زندانیان واجدالشرایط، مرخصی اعطا

هرگونه تخفیف مجازات راه‌حل بر طبق قوانین مدون موضوعه وجود داشت و نیازی نبود محاکم دادگاه کیفری با عدول از نظر سابق خود مبنی بر حدی بودن مجازات ممسک مجدداً به مجازات معاونت در قتل عمدی رجوع کند. به هر روی، محکمهٔ محترم کیفری یک به استناد مادهٔ ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی که اذعان می‌نماید: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است، طبق اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود. عمل مجرمانه ممسک را از نوع حدودی تشخیص داده است که در قانون مجازات اسلامی از آن نامی برده نشده است و بدیهی است به‌دلیل وجود اختلاف در فتاویٰ فقهای عظام در فرض مسئله (چگونگی تخفیف مجازات ممسک) نمی‌توان به اصول مسلم حقوق جزا، من جمله اصل قانونی بودن جرم مجازات و قاعدهٔ قبح عقاب بلابین که از آنها در قانون اساسی و سایر قوانین جزایی کشورمان یاد شده و قضات مکلف به رعایت آن می‌باشند، پایبند بود. از سویی دیگر، مطابق با ماده ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه نمی‌تواند کیفیت، نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است». پس اگر دادگاه محترم کیفری اعتقاد بر حدی بودن مجازات ممسک داشته است، نمی‌تواند بر اساس آنچه در متن پایانی دادنامه پیشنهاد کرده است، با رضایت شاکی مجازات حبس ابد ممسک را با تلقی به مواد مربوط به معاونت در قانون مجازات اسلامی تعدیل نماید.

نتیجه

هرچند در تعیین مجازات ممسک بر اساس منابع شرعی یا معاونت تلقی نمودن این عنوان مجرمانه در بین محاکم کیفری رویهٔ قضایی واحدی وجود ندارد. اما به‌نظر می‌رسد، چنانچه امساک در قتل به‌عنوان معاونت در قتل عمدی و خارج از قسمت اخیر اصل ۱۶۷ قانون اساسی تفسیر شود، از اعمال ناعادلانهٔ مجازات

ممسک در مقایسه با مجازات قاتل در مواردی که اولیای دم به قاتل یا ممسک توأمان یا منفرداً اعلام رضایت می‌کنند، با تفسیری مناسب و به نفع متهم کاسته خواهد شد. زیرا بر فرض ثبوت جرم و اعلام رضایت اولیای دادگاه کیفری یک باید در مجازات قصاص قاتل به استناد ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات با تبدیل به ۳ تا ۱۰ سال حبس اقدام نماید، لیکن مجازات ممسک که نوعاً عمل وی از قاتل خفیف‌تر است، به دلیل حدی بودن قابل تخفیف نیست. مضافاً در مواجهه با درخواست‌های محکوم‌علیه (ممسک) مبنی بر استفاده از نهادهای حقوقی دیگر همچون آزادی مشروط، گذشت شاکی خصوصی، مرور زمان، عفو و مرخصی و درخواست اعمال مواد ۴۸۳ و ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری و هرگونه تخفیف مجازات راه‌حل بر طبق قوانین مدون موضوعه در تخفیف مجازات وی وجود خواهد داشت و نیازی نیست محاکم کیفری در چنین مواقعی با عدول از نظر سابق خود مبنی بر حدی بودن مجازات ممسک مجدداً به قانون موضوعه و تعیین مجازات وی در مقام یک بزه تعزیری و براساس نهاد معاونت در قتل عمدی مصرحه در ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی اقدام نمایند.

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

- آقای‌نیا، حسین، (۱۳۹۴)، **جرایم علیه اشخاص**، چاپ سیزدهم، تهران: میزان.
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۹)، **حقوق جزای عمومی**، تهران، جلد دوم، چاپ بیست‌ویکم.
- باقری، ابراهیم، (۱۳۹۲)، **شرح قانون مجازات اسلامی**، تهران: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، جلد اول (حدود)، چاپ دوم.
- خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۶۵)، **موازین قضایی**، جلد اول، قم: نشر شکوری.
- زراعت، عباس، (۱۳۹۲)، **حقوق جزای اختصاصی یک، جرایم علیه اشخاص**، تهران: نشر جنگل، چاپ دوم.
- دسپهوند، امیرخان، (۱۳۸۸)، **حقوق جزای اختصاصی (۱)**، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر مجد، چاپ چهارم.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس در بررسی نهایی قانون اساسی، (۱۳۹۴)، تهران: اداره کل امور فرهنگی مجلس شورای اسلامی، جلد سوم.
- کارخیزان، محمدحسین، (۱۳۹۲)، **محشای قانون مجازات اسلامی**، تهران: راه نوین، جلد اول، چاپ دوم.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۸)، **حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه اشخاص**، تهران: نشر جهاد دانشگاهی، چاپ ششم.
- مقتدایی، مرتضی، (۱۳۸۸)، **درس خارج از فقه، مدرسه فقاقت**.
- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۶)، **حقوق جزای اختصاصی یک، جرایم علیه اشخاص**، تهران: نشر میزان، چاپ بیست و سوم.
- نوربها، رضا، **حقوق جزای عمومی**، (۱۳۹۲)، تهران: نشر گنج دانش، چاپ سی‌وچهارم.

- هاشمی، سیدمحمد، (۱۳۷۷)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر دادگستر، جلد دوم.

مقاله

- ابوالقاسمی، محمد سعود عالم، (۱۳۸۸)، «بررسی تغییر احکام شرعی در گذر زمان و مکان»، ترجمه: جمیل تبوراک و ابراهیم صالحی پور، **فصلنامه ادیان، مذاهب و عرفان**، سال چهارم، شماره ۱۶.
- رضایی، غلامحسین، (بهمن و اسقند ۱۳۸۵)، «معاونت در قتل»، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۶۰.

منابع عربی

- عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۲۷ ق)، **وسایل الشیعه**، بیروت: نشر الاعملى للمطبوعات، چاپ اول.
- فاضل موحدی لنگرانی، محمد، (۱۳۸۳)، **جامع المسائل**، جلد دوم، قم: بی نا، چاپ یازدهم.
- موسوی خمینی، سید روح الله موسوی، (۱۳۷۳)، **تحریر الوسیله**، دارالکتاب العلمیه اسماعیلیان نجفی، جلد دوم، چاپ دوم.
- محدث نوری، میرزا حسین، (۱۳۲۰ ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، ۱۸ جلد، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول.